

●● اول هرکار به نام خدا ●●



اشک‌های چیک چیکانه





امروز قرار است یک
عالمه مهمان داشته
باشیم.

مگر چه خبر است؟
مامان و ننه ابریشم
به کمک همدیگر برای
مهمان‌ها کوفته‌گلی
درست کرده‌اند: غذای
محبوب بچه کرم‌ها و
البته بزرگ‌ترها.

۲

کرمیلو داخل دیگ را
نگاه می‌کند: یک عالمه
کوفته‌ی گرد و قلمبه‌ی
گلی. وای چقدر زیاد!

مامان می‌گوید امروز خیلی
کار دارد. کرمیلو هم دوست
دارد به مامان کمک کند.

کرمیلو برای اینکه خواهر کوچک‌لویش تنها
نماند، او را به کمرش بسته و به مامان
کمک می‌کند.





وای خدایا! چقدر بامزه!
بچه‌ها شما هم می‌شنوید؟
من فکر می‌کنم از داخل تونل
پنجاه و سه صدایی می‌آید و از
تونل سی و دو و از تونل نوزده
و از تونل هفتاد و یک و از تونل
هشتاد.
جانمی جان! مهمان‌ها آمدند،
همه با هم!
خانه پر از مهمان شده است.
همگی خوش آمدید.

خانه پر از آب شده
است. همه جا خیس
شده است!
کرمیلو جان، دیگر
کافی است.

کرمیلو به خاطر نداشتن تلفن همراه یا تبلت
ناراحت است و چیک چیک اشک می‌ریزد.
کرمیلو می‌گوید او هم یکی از این تبلت‌ها
می‌خواهد، مثل همه‌ی بچه‌ها.
البته همه‌ی همه که نه! بعضی‌ها.
بابا حرفی نمی‌زند.
چرا؟!
چون دارد فکر می‌کند. تازه، بعدش
هم باید با مامان کرمیلو مشورت کند.
برای چی؟!
برای خرید تبلت.



البته کرمیلو باید فکرهایش را بکند؛ چون او هفته‌ی پیش از بابا خواسته بود برایش وسایل آزمایشگاه بخرد تا بتواند آزمایش‌های علمی عجیب‌غریب انجام دهد. فکر کنم اگه بابا تبلت بخرد، دیگر نمی‌شود آن وسایل را خرید.

تازه اگر تبلت بخرند، فقط برای کرمیلو نیست، بلکه برای همه است تا از آن در خانه استفاده کنند. کرمیلو هم هر وقت خواست استفاده کند، باید از مامان یا بابا اجازه بگیرد، آن هم برای یکی دو ساعت.

باباشبدر دستی به سر کرمیلو کشید و دستمالی به او داد تا اشک‌ها و آب بینی‌اش را پاک کند.

زنه‌ابریشم هم صورت کرمیلو را بوسید و گفت: «گریه نکن کرمک قشنگم. حالا تا وقتی مامان و بابا تصمیم‌شان را بگیرند، من گوشه‌ی منم رو بهت می‌دم تا با آن بازی کنی؛ البته فقط یک ساعت؛ چون گوشه‌ی من مرتب، زمان خوردن قرص‌هام و باباشبدرت رو یادآوری می‌کنه و نمی‌شه مرتب با آن بازی کنی.»



بالاخره مامان و بابا بعد از کلی
مشورت کردن با هم و با
کرمیلو، به نتیجه رسیدند.
شما فکر می کنید آن ها چه تصمیمی گرفتند؟
هرچه بود که الان چشم های کرمیلو دارد از
خوش حالی برق می زند.
بابا هم باید برای کف خانه که از اشک های
چیک چیکانه ی کرمیلو خیس شده است، فکری بکند.

جدید از کرمیلو می‌آید
۶
قصه‌های
کرمیلو
تیک تیک جان
خوش آمدی!

به به! مبارک باشد.

چه تبلت قشنگ و گوگل مگولی ای
اینجاست. این مال چه کسی است؟



این روزها نام «سواد رسانه‌ای» را زیاد شنیده‌اید: واژه‌ای جهانی که در عصر شبکه‌های اجتماعی، بازار آن داغ است؛ اما اگر همین الان به ما بگویند آن را تعریف کنید، شاید کمتر کسی از عهده آن برآید.

احتمالاً شما هم صحبت برخی والدین را شنیده‌اید که می‌گویند: «فرزند پنج‌ساله‌ام سواد رسانه‌ای خوبی دارد، خودش با گوشی کار می‌کند، وارد اینترنت می‌شود، کارتون و بازی هم دانلود می‌کند. حتی گاهی که ما در استفاده از نرم‌افزارها دچار مشکل می‌شویم، اوست که به کمکمان می‌آید.» اشتباه والدین این است که «سواد دیجیتال» را با «سواد رسانه» اشتباه گرفته‌اند. بله، فرزندان این زمانه مهارت‌های خوبی در زمینه دیجیتال دارند؛ اما فضای مجازی و دنیایی به بزرگی تلفن همراه، همانند دریایی است که اگر شنا بلد نباشی...

امروزه، خانواده‌ها خیلی مراقب تغذیه فرزندان خود هستند، غافل از اینکه غذا فقط مخصوص جسم نیست و غذای فکر و روح مهم‌تر است. به راستی فرزندان ما غذای فکر خود را از کجا و چه کسی می‌گیرند؟ آیا بهتر نیست برای رژیم رسانه‌ای‌شان چاره‌ای بیندیشیم؟ گاهی با والدینی روبه‌رو می‌شویم که دغدغه‌های زیادی درباره استفاده فرزندان‌شان از رسانه و فضاهای مجازی دارند که در صورت چاره‌اندیشی، خیلی از دغدغه‌های فعلی والدین پاسخ داده می‌شود، از جمله:

● با مشکل اعتیاد به رسانه چه باید کرد؟

● برای بچه‌های چندساله می‌توان تلفن همراه و تبلت خرید؟

● بچه‌ها چند ساعت در روز مجاز به تماشای تلویزیون یا بازی رایانه‌ای هستند؟

● نکته‌های فنی امنیت در فضای مجازی و حفظ حریم خصوصی چیست؟

مجموعه قصه‌های کرمیلو که محصول ساعت‌ها کار تیمی کارشناس سواد رسانه و نویسنده و تصویرگر است، سعی کرده در قالب داستان‌های طنز و دوست‌داشتنی برای بچه‌ها، همراه با تصاویری جذاب، سؤالات آداب استفاده از رسانه را پاسخ دهد، سؤالاتی از قبیل چه کسی، چه محتوایی از رسانه را در چه زمانی و در چه مکانی، به چه شکلی و چه مقدار دریافت کند؟ حرف اصلی در این کتاب این است که «من باید مدیر رسانه باشم، نه آنکه رسانه‌ها مدیر من باشند» و این یعنی فرمولی طلایی در استفاده از رسانه: استفاده محدود و مشروط. البته رعایت موفقیت‌آمیز «آداب استفاده از رسانه»، خود در گرو «مهارت‌های تربیتی» خانواده است. پس از آشنایی با آداب استفاده از رسانه، باید به‌سرعت مهارت تحلیل پیام و تفکر نقادانه در رویارویی با اخبار و سینما و تبلیغات برویم که در کتاب‌های جداگانه‌ای از همین ناشر منتشر خواهد شد.

پیشنهاد می‌شود بعد از خواندن این داستان به همراه فرزندان، این سؤالات را با زبان کودکانه از او بپرسید:

۱. بچه‌های عزیزم چند کار «خوب» و چند کار «اشتباه» را نام ببرید که در این داستان به آن‌ها اشاره شده است؟
۲. دوستان خوبم، در تصاویر صفحه ۸ و ۹ چرا هیچ کس حواسش به کوفته گلی‌های خوشمزه نبود؟ اشکال کار آن‌ها چی بود؟
۳. پسر و دختر مهربانم، مهمانی مکان خوبی برای استفاده از ابزارهای رسانه‌ای نیست؛ در عوض چه کارها و سرگرمی‌های جالبی را می‌توان در مهمانی انجام داد؟

